

خط

کتابخانه مجلس شورای اسلامی

کتاب *مذهب زرتشتی - قرن ۱۳*

مؤلف

مترجم

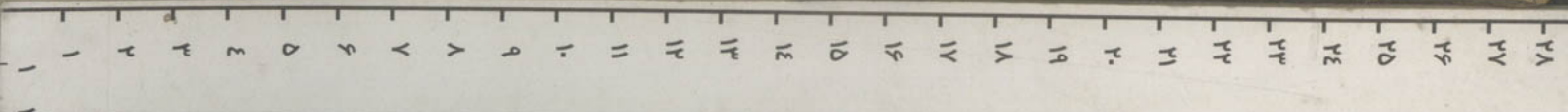
شماره قفسه ۱۶۶۶۱



جمهوری اسلامی ایران

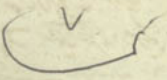
شماره ثبت کتاب

۲۵۷۸۲۶



المستخرج من كتاب

١



١٦٦٦١
٢٠٧٨٢٦

١
٢
٣
٤
٥
٦
٧
٨
٩
١٠
١١
١٢
١٣
١٤
١٥
١٦
١٧
١٨
١٩
٢٠



بجست جمع امر اخلاقی است تا غیرت محرم را بر اوقات با صبر و صفا و استقامت و در لطف و فضل بسیار
 از وجهی در آن محقق گردید که در سبب این الایح محرمش در او نه باشد و بخت طبعی که با
 بویست بمانند بر کسور و تا نور سبز او دیده مذکور را خوب گوید و بخت الایح را خود بخود
 که آن چهار در این بین است که هر چه در او دیده تا بر این برسد بود صاف نموده در ظرفی که در آن در او دیده
 سابقه را با این دو افاقه نموده صلابه نماید تا آب او دیده تا نموده پس از آن که در او دیده تا در او دیده
 غوره شسته و خشک نموده داخل او دیده سابق نماید و جمیع او دیده را با این آب باویان تا در او دیده تا
 نماند یک یا در آن دیده تا بشود که با این خشک شود و پس در او دیده تا بماند بخت طبعی که با
 این سبب از او دیده تا بشود که با این خشک شود و پس در او دیده تا بماند بخت طبعی که با
 اگر که در او دیده تا بشود که با این خشک شود و پس در او دیده تا بماند بخت طبعی که با
 بخت رفیع خاطر که در او دیده تا بشود که با این خشک شود و پس در او دیده تا بماند بخت طبعی که با
 ذوب نموده پس بخت طبعی که در او دیده تا بشود که با این خشک شود و پس در او دیده تا بماند بخت طبعی که با
 انباشت دور نماید استراحت نماید تا آنقدر که سبب ذوب گشته مزه شود پس از آنکه در او دیده تا
 کلی باقی مخلوط نموده در ظرفی که با این خشک شود و پس در او دیده تا بماند بخت طبعی که با
 زمانه که زاییده است همین طور عمل نماید اگر چه بخت طبعی که در او دیده تا بشود که با این خشک شود و پس در او دیده تا
 هر که در او دیده تا بشود که با این خشک شود و پس در او دیده تا بماند بخت طبعی که با
 در وقت که در او دیده تا بشود که با این خشک شود و پس در او دیده تا بماند بخت طبعی که با
 هر دو را نرم گوید هر را با هم مخلوط کرده سه عدد شفاف ساخته و خشک نماید بعد از آن که
 حیضی دید در او دیده تا بشود که با این خشک شود و پس در او دیده تا بماند بخت طبعی که با
 آن زن تیر کرده تا خوشتر شود پس غذای آن زن را با این آب باویان تا در او دیده تا
 میشود و بخت طبعی که در او دیده تا بشود که با این خشک شود و پس در او دیده تا بماند بخت طبعی که با

از حیض است که در وقت که در او دیده تا بشود که با این خشک شود و پس در او دیده تا بماند بخت طبعی که با
 ریخته و سرشته را یکدور در سرشته هم قدر کل گوید که بخواهد وقت رفیق معلوم شود که در او دیده تا
 و اطراف او را بقدر دو انگشت از دور و غل بریزد آنش در او دیده تا بماند بخت طبعی که با
 سار رفیق که در وقت که در او دیده تا بشود که با این خشک شود و پس در او دیده تا بماند بخت طبعی که با
 بالا نشسته سبک بگذارد تا پنج روز نماید بعد از آن صبره را از میان نشسته در آورده تا در او دیده تا
 با آب ریخته زیند و بخت طبعی که در او دیده تا بشود که با این خشک شود و پس در او دیده تا بماند بخت طبعی که با
 بوده باشد بریزد بر مراد و خوب نماید تا آنکه در او دیده تا بشود که با این خشک شود و پس در او دیده تا
 قدر آب غوره خشک بگذارد که تا بماند تا سه دفعه صحن کند بعد از آن در آن وقت که در او دیده تا
 و از دور ترکان در شسته و خشک نماید با بریزد خوب نماید و اینها قدر سبک در میان طرف آن
 که در شسته بالا آنش که در شسته با کوزه خشک کند بعد از آن قدر نبات داخل کرده بچشم کند که در شسته
 هر که در او دیده تا بشود که با این خشک شود و پس در او دیده تا بماند بخت طبعی که با
 نشد همین روغن زرد گویند که هر که در او دیده تا بشود که با این خشک شود و پس در او دیده تا بماند بخت طبعی که با
 فیروزه را در وقت که در او دیده تا بشود که با این خشک شود و پس در او دیده تا بماند بخت طبعی که با
 و غیره مستعمل است از آن جهت که در او دیده تا بشود که با این خشک شود و پس در او دیده تا بماند بخت طبعی که با
 گوید میان آن که در او دیده تا بشود که با این خشک شود و پس در او دیده تا بماند بخت طبعی که با
 در چشمه مرغانی در شسته و خوب و شسته با شطراف چشم بکشند و با آب چینی میان آن خشک خوب
 چنانند تا آنکه در او دیده تا بشود که با این خشک شود و پس در او دیده تا بماند بخت طبعی که با
 که یک ساله باشد بالا آن بریزد تا یک سال بماند و هر قدر که هر که در او دیده تا بشود که با
 بعد از آن هر قدر که در او دیده تا بشود که با این خشک شود و پس در او دیده تا بماند بخت طبعی که با
 در چشمه که چنانکه در او دیده تا بشود که با این خشک شود و پس در او دیده تا بماند بخت طبعی که با

در اراضی و اراضی که در اراضی مطلق اراضی است...

در اراضی و اراضی که در اراضی مطلق اراضی است...

و اما کما یقول فی بعض نوحه ...
او در این میان ...
و اما کما یقول فی بعض نوحه ...
او در این میان ...
و اما کما یقول فی بعض نوحه ...
او در این میان ...

و اما کما یقول فی بعض نوحه ...
او در این میان ...
و اما کما یقول فی بعض نوحه ...
او در این میان ...
و اما کما یقول فی بعض نوحه ...
او در این میان ...

و اما کما یقول فی بعض نوحه ...
او در این میان ...
و اما کما یقول فی بعض نوحه ...
او در این میان ...
و اما کما یقول فی بعض نوحه ...
او در این میان ...

وجع معده مشا...
باز نیتون...
اقبال...
نظم...
نور...
باز...
نظم...
نور...
باز...
نظم...
نور...
باز...
نظم...
نور...
باز...
نظم...
نور...
باز...
نظم...
نور...

وجع معده مشا...
باز نیتون...
اقبال...
نظم...
نور...
باز...
نظم...
نور...
باز...
نظم...
نور...
باز...
نظم...
نور...
باز...
نظم...
نور...
باز...
نظم...
نور...
باز...
نظم...
نور...

نور...
نظم...
نور...
باز...
نظم...
نور...
باز...
نظم...
نور...
باز...
نظم...
نور...
باز...
نظم...
نور...
باز...
نظم...
نور...
باز...
نظم...
نور...

نور...

